مجله پژوهش‌های حسابداری مالی
سال دوم، شماره سوم، شماره پیاپی (۵)، پاییز ۱۳۸۹
تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۱۲/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۳۰
صص ۸۶ -۶۵

رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها

جعفر باباجانی[۱]،* مجید عبدی**
* دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی
** کارشناس ارشد حسابداری

چکیده

در این پژوهش، رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات ارزیابی شده است. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل(دو گانگی وظایف مدیرعامل) و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. این موضوع با استفاده از داده‌های استخراج شده از اطلاعات منتشر شده از سوی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و پرونده‌های مالیاتی ۸۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه، آزمون t برای یک میانگین و تحلیل رگرسیون آزمون شده است. نتایج تحقیق، بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، بوده است. این در حالی است که در هر دو گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، اعضای غیرموظف هیات مدیره، سهامداران نهادی، نقش ترکیبی مدیر عامل، سود مشمول مالیات ابرازی، سود مشمول مالیات قطعی.

۱- نویسنده مسؤول
Email:jafar.babajani@gmil.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران به عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند [۱۱]. با شکل گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران و سایر ذی‌نفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌گردد و به‌طور بالقوه این امکان به وجود می‌آید که مدیران اقداماتی انجام دهند که در جهت منافع خودشان بوده و ضرورتا در جهت منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان (از جمله دولت) نباشد که به آن مسأله نمایندگی گفته می‌شود [۷]. در این راستا، دولت به عنوان یکی از ذی‌نفعان شرکت‌ها، برای تشخیص مالیات بر اظهارنامه‌های مالیاتی که توسط مودیان مالیاتی تنظیم و تسلیم می‌گردد، تکیه می‌کند. از طرفی، شرکت‌ها و بالاخص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید سود مشمول مالیات و به دنبال آن مالیات متعلقه را طبق قوانین و مقررات مالیاتی محاسبه و در اظهارنامه مالیاتی ابراز و به سازمان امور مالیاتی کشور تسلیم نمایند. ماموران مالیاتی نیز باید اظهارنامه تسلیمی مودیان را طبق قوانین و مقررات مالیاتی رسیدگی کرده، مالیات متعلقه را در برگ تشخیص منعکس نمایند و در صورت درخواست مودی، طبق مفاد ماده ۲۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم (ق.م.م)، مبانی و مستندات قانونی محاسبه مالیات را به مودی اعلام نمایند. در چنین شرایطی، اگر عوامل حاکمیت شرکتی که مبانی نظری آن اذعان به رعایت حقوق کلیه ذی‌نفعان دارد، در شرکت وجود داشته باشد (که به شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی مرسوم شده‌اند)، انتظار می‌رود سود مشمول مالیات و مالیات ابرازی که باید طبق قوانین و مقررات شناسایی و در اظهارنامه مالیاتی ابراز می‌شود، با سود مشمول مالیات و مالیات تشخیصی و قطعی توسط ماموران مالیاتی که آن هم طبق قوانین و مقررات تعیین می‌شود، تا حدود زیادی منطبق باشد. البته، عوامل متعددی، از جمله مغایرت برخی از مواد قانون مالیات‌های مستقیم با استانداردهای پذیرفته شده حسابداری و بویژه هزینه‌های قابل قبول نیز موجب مغایرت بین سود حسابداری مبتنی بر استانداردهای حسابداری و سود مشمول مالیات مبتنی بر قوانین و مقررات مالیاتی می‌شود که بر کسی پوشیده نیست و تقریباً در اغلب کشورها، حتی کشورهای توسعه یافته نیز کم و بیش مرسوم است، لیکن آنچه در این پژوهش به آم توجه شده، حصول اطمینان از این مطلب است که آیا طبق مبانی نظری حاکمیت شرکتی که ادعا می‌شود در صورت قوی بودن، حقوق کلیه ذی‌نفعان را لحاظ می‌نماید، در مورد ابراز سود مشمول مالیات منطبق با قوانین و مقررات موضوعه کشور نیز مصداق دارد؟ یا این که بین وجود حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف و سود مشمول مالیات ابرازی مبتنی بر قوانین و مقررات رابطه‌ای وجود ندارد؟

از این رو، حاکمیت شرکتی مکانیزمی است که از طریق اعمال آن، مشکلات نمایندگی برطرف گردیده [۱۲] و کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت‌ها بهبود یافته، رعایت حقوق سهامداران و کلیهٔ ذی‌نفعان، از جمله دولت‌ها و عموم جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

ادبیات پژوهش

در دهه‌های اخیر، حاکمیت شرکتی یکی از جنبه‌های اساسی تجارت شده و توجه به آن روز به روز در حال افزایش است. همان گونه که بعدا خواهد آمد، تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی در طیفی

Archive of SID

www.SID.ir

گستره قرار می‌گیرند. رویکردهای محدود که به رابطه بین شرکت و سهامداران محدود می‌شود در یک سو و رویکردهای گسترده که توجه جدی به حقوق همهٔ ذی‌نفعان دارد در سوی دیگر طیف قرار می‌گیرند. تعاریف گسترده تر نشان می‌دهند که شرکت‌ها در برابرکل جامعه، نسل‌های آینده و منابع طبیعی(محیط زیست) مسؤولیت دارند. رویکردهای محدود در قالب تئوری نمایندگی و رویکردهای گسترده در قالب تئوری ذی‌نفعان بیان می‌شود.

بررسی تعاریف متعدد از حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد که مسؤولیت پاسخگویی جوهره وجودی حاکمیت شرکتی بوده، هدف نهایی آن دستیابی به چهار ویژگی مسؤولیت پاسخگویی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی‌نفعان است. در حقیقت، می‌توان گفت که مسؤولیت پاسخگویی، شاه بیت هدف‌های حاکمیت شرکتی است [۴].

حاکمیت شرکتی و شفافیت

در تحقیقی که توسط چونگ و لسی مویا (۲۰۰۷) انجام شد، برخی از معیارهای حاکمیت شرکتی نظیر اعضای غیرموظف هیات مدیره، جدا بودن مسؤولیت رئیس هیات مدیره و مدیر عامل و وجود سهامداران نهادی به عنوان عوامل کلیدی در ارائه اطلاعات شفاف معرفی شدند [۵]و[۱۰]. در این تحقیق، رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و سطح افشا به صورت زیر بررسی گردید:

۱-تعداد اعضای هیات مدیره: آلشی میدی (۲۰۰۴) استدلال نمود که شرکت‌های با هیات مدیره بزرگ شامل مدیرانی با مهارت‌ها و تجربیات گوناگون، می‌توانند کارایی انتقال اطلاعات را بهبود بخشند. این بدان معناست که شرکت‌هایی که از هیات‌های مدیره کوچکتری برخوردارند، در مقایسه با شرکت‌های فوق، بخش به نسبت کوچکی از اطلاعات را در صورت‌های مالی افشا می‌کنند. از این رو، به نظر می‌رسد بین اندازه هیات مدیره و افشای حاکمیت شرکتی ارتباط مثبت وجود دارد.

۲- استقلال هیات مدیره: تعدادی از مطالعات انجام شده ارتباط مستقیم با اهمیتی را بین نسبت مدیران غیرموظف و سطوح افشای اختیاری گزارش کرده‌اند. به صورت معمول، هیات مدیره‌ای که تعداد مدیران غیرموظف آن به نسبت بیشتر است، تصویر مثبتی از استقلال و مسؤولیت پاسخگویی را برای سهامداران تداعی نموده، حصول اطمینان از رعایت ویژگی‌های حاکمیت شرکتی را نیز افزایش می‌دهد (دیدمن،۲۰۰۰). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین استقلال هیات مدیره و افشای حاکمیت شرکتی ارتباط مثبت وجود دارد.

۳- دوگانه بودن مسؤولیت مدیرعامل: این وضعیت هنگامی رخ می‌دهد که مدیر عامل (CEO) یک شرکت به عنوان رئیس هیات مدیره هم انتخاب شود. این امر ممکن است به تضاد منافع و از دست رفتن استقلال منجر گردد. بنابراین، فرض می‌شود که بین دوگانه بودن مسؤولیت مدیر عامل و افشای حاکمیت شرکتی ارتباط منفی وجود دارد [۵]و[۱۰].

علاوه بر این، سرمایه گذاران نهادی نیز اطلاعات را جمع آوری و پردازش کرده، بر مبنای آن عمل می‌کنند. اگر چه این سرمایه گذاران، اطلاعات خود را به صورت عمومی در اختیار بازار قرار نمی‌دهند، ولی با تصمیم‌های خود بازار را آگاه می‌سازند. بنابراین، نفوذ سرمایه گذاران نهادی در بازار و شرکت‌ها، معیار دیگری برای اندازه گیری شفافیت است [۵]. از این رو، هر اندازه اطلاعات ارائه شده از طرف شرکت‌ها

Archive of SID

www.SID.ir

شفافتر باشد، به همان اندازه نیز شرکت‌ها در ایفای مسؤولیت پاسخگویی خود نسبت به ذی‌نفعان موفق عمل خواهند نمود و در نتیجه، ارائه اطلاعات شفاف موجب محاسبه دقیق و صحیح مالیات حقه دولت خواهد شد. شایان ذکر است که تقسیم بندی سیستم‌های حاکمیت شرکتی به درون سازمانی و برون سازمانی موجب شده است که مکانیزم‌های مختلفی برای حاکمیت شرکتی مطرح شود. بجز سه معیار پیش گفته، معیارهای دیگری نظیر: کنترل‌های داخلی، بازار سرمایه، حسابرسی داخلی و ... نیز وجود دارند که با توجه به تحقیقات پیشین انجام پذیرفته در این زمینه و موضوعیت(عمومیت) نداشتن آن معیارها در شرکت‌های ایرانی در انجام این تحقیق مدنظر قرار نگرفته‌اند.

حاکمیت شرکتی و مالیات

طبق مفاد ماده ۱۰۵ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم(ق.م.م) مصوّب سال ۱۳۸۰، معادل ۲۵٪ از سود اشخاص حقوقی سهم دولت بوده، باید به عنوان مالیات در وجه دولت واریز شود. از طرف دیگر، طبق مفاد ماده ۲۴۰ قانون تجارت، مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز این که سود قابل تقسیم وجود دارد، باید مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود، تعیین نماید. این سود قابل تقسیم، سودی است که مالیات متعلقه از آن کسر گردیده است. به عبارت دیگر، یکی از اقلامی که از سود شرکت‌ها کسر می‌گردد تا سود قابل تقسیم بین سهامداران به دست آید، سهم و حق دولت از سود است که همان مالیات است. بنابراین، به موجب قوانین و مقررات، تادیه سهم دولت از سود شرکت‌ها مقدم بر تقسیم سود بین سهامداران است.

از سوی دیگر، طبق قانون تجارت، سود قابل تقسیم سودی است که زیان سال‌های قبل و اندوخته‌ها از آن کسر شده است و طبق بند ۱۲ ماده ۱۴۸ اصلاحی ق.م.م مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، زیان اشخاص حقوقی که از طریق رسیدگی به دفاتر آنها و با توجه به مقررات احراز گردد، از درآمد سال یا سال‌های بعد مستهلک پذیر است.

نگاهی اجمالی به موارد فوق، بیانگر این مطلب است که دولت خود را در جایگاهی حتی بالاتر از سهامداران اصلی شرکت‌ها قلمداد می‌کند. سهامدار اصلی که در سود شرکت‌ها ذی‌حق و ذی‌نفع بوده، مسؤولیت زیان شرکت‌ها را نیز به استناد بند ۱۲ ماده ۱۴۸ اصلاحی ق.م.م. مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، بر دوش می‌کشد.

با توجه به مطالب فوق، در رویکرد محدود حاکمیت شرکتی، دولت نیز به عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی به ایفای نقش می‌پردازد؛ بدین ترتیب که چنانچه نتایج عملیات شرکت‌ها به سود منتهی شود، باید قبل از هر تصمیمی در رابطه با این سود، سهم دولت از این سود محاسبه و کنار گذاشته شود و مهمترین سهم دولت نیز از این سود، مالیات است. در این دیدگاه، حتی اگر شرکت خود را ملزم به گسترش سطح مسؤولیت پاسخگویی برای رعایت حقوق دیگر ذی‌نفعان نداند، بالاجبار به دلیل الزامات قانونی، مجبور به رعایت حقوق دولت دایر بر محاسبه و پرداخت مالیات است. در دیدگاه محدود حاکمیت شرکتی، به دلیل نبود شفافیت و عدم ساز و کارهای حاکمیت شرکتی به صورت مطلوب، منافع تهیه کنندگان اطلاعات با منافع استفاده کنندگان اطلاعات در تضاد است (حتی با منافع دولت که یکی از ذی‌نفعان اصلی در دیدگاه محدود محسوب می‌شود).

Archive of SID

www.SID.ir

در این دیدگاه، شرکت‌ها خود را به اندازه‌ای پاسخگو می‌دانند که از جرایم و تنبیهات قانونی در امان باشند.

در سوی دیگر، طیف تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی، رویکردی گسترده وجود دارد. در این رویکرد، حاکمیت شرکتی در قالب شبکه‌ای از روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان بیان می‌شود. سطح مسؤولیت پاسخگویی شرکت در این دیدگاه گسترش یافته، حوزه وسیعتری از سهامداران و دیگر ذی‌نفعان را در بر می‌گیرد. در این رویکرد است که شفافیت، عدالت (انصاف)، و رعایت حقوق ذی‌نفعان مطرح شده، مسؤولیت پاسخگویی به عنوان جوهره وجودی حاکمیت شرکتی معرفی می‌شود. یکی از ابزارهایی که شرکت‌ها را در ایفای این مسؤولیت یاری می‌کند، افشای اطلاعات شفاف و مورد نیاز ذی‌نفعان است.

پیشینه پژوهش

دسایی، دایک و زینگالس (۲۰۰۷)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نرخ‌های مالیاتی بالا، باعث بدتر شدن سیستم‌های حاکمیت شرکتی می‌شود و برعکس، نرخ‌های پایین مالیاتی باعث بهبود سیستم‌های حاکمیت شرکتی شده، افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت [۱۵].

سارتوری (۲۰۰۸)، نشان داد که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل بوده، در حقیقت، از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تاثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی‌های مالیاتی(از دیدگاه شرکت) می‌تواند تاثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد [۱۶].

عبدالله (۲۰۰۴)، به این نتیجه رسید که اگر ساختار مدیریت شرکت مناسب باشد و از شیوه کشورهای توسعه یافته تبعیت شود، می‌توان انتظار داشت که در دراز مدت ارزش شرکت افزایش یافته، از منافع سهامداران به خوبی محافظت شود [۹].

لفرت (۲۰۰۷)، به این نتیجه رسید که یک افزایش در نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره، باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود. زمانی که نسبت اعضای غیر موظف و اعضای حرفه‌ای به‌طور جداگانه تجزیه و تحلیل می‌گردند، تنها نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره است که ارزش شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهد [۱۴].

طبق بررسی‌های به عمل آمده، با توجه به جدید بودن مسأله تحقیق و نیز خاص بودن فرآیند تشخیص و قطعیت مالیات در ایران، تاکنون هیچ‌گونه تحقیق دانشگاهی در راستای هدف پژوهش حاضر صورت نگرفته است، لیکن با عنایت به اینکه برخی تئوری‌ها و تحقیقات تجربی پیشین، ارتباط بین معیارهای مختلف حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت را تایید نموده‌اند [۱۳]، و با توجه به اینکه درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها با سود حسابداری آن‌ها رابطه نزدیکی دارد، لذا در این بخش، به گزیده‌ای از تحقیقاتی که در باب رابطه حاکمیت شرکتی و معیارهای آن با عملکرد شرکت‌ها انجام پذیرفته است، اشاره می‌شود.

نتایج تحقیق توتاخانه (۱۳۸۷) نشان داد که بین عملکرد شرکت‌ها با درصد مدیران غیر موظف هیات مدیره، نقش ترکیبی مدیریت و حاکمیت شرکتی قویتر یا ضعیف تر رابطه معناداری وجود ندارد [۳].

نتایج حاصل از پژوهش یزدانیان (۱۳۸۵)، نشان داد زمانی که درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی در

Archive of SID

www.SID.ir

شرکت‌ها بیش از ۴۵ درصد باشد، مدیریت سود کاهش می‌یابد. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بین وجود مدیران غیر موظف در ترکیب هیات مدیره، نبود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره، وجود حسابرسان داخلی در شرکت‌ها در ایران و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد [۸].

بیان مسأله

اگر چه در رویکرد محدود حاکمیت شرکتی، دولت به مثابه یک سهامدار محسوب شده است و شرکت‌ها سهم دولت از سود را پرداخت می‌کنند، لیکن در رویکرد گسترده حاکمیت شرکتی، این سوال مطرح می‌شود که آیا شرکت‌ها حقوق دولت را به صورت منصفانه رعایت می‌کنند؟ آیا اطلاعات منتشر شده توسط شرکت‌ها به اندازه کافی شفاف هست تا بتوان حقوق دولت دایر بر مالیات متعلقه را از روی آنها به درستی ارزیابی و محاسبه نمود؟

با توجه به توضیحات پیشین، به نظر می‌رسد برخی معیارهای حاکمیت شرکتی نظیر اعضای غیرموظف هیات مدیره، عدم مسؤولیت همزمان مدیر عامل و رئیس هیات مدیره و وجود سهامداران نهادی می‌تواند به عنوان عوامل کلیدی مرتبط با ارائه اطلاعات شفاف درباره میزان مالیات حقه دولت بررسی گردد. به بیان دیگر، انتظار معقول آن است که هر چقدر اطلاعات ارائه شده از طرف شرکت‌ها شفافتر باشد، به همان اندازه شرکت‌ها در ایفای مسؤولیت پاسخگویی خود نسبت به ذی‌نفعان موفق تر خواهند بود و ارائه اطلاعات شفاف نیز به نوبه خود موجب محاسبه دقیق و صحیح سود مشمول مالیات قطعی شرکت خواهد شد. به همین دلیل، در رویکرد گسترده حاکمیت شرکتی نیز، دولت به عنوان یک ذی‌نفع از مزایای اطلاعات شفاف ناشی از سیستم حاکمیت شرکتی برخوردار می‌گردد.

در چنین شرایطی، سیستم حاکمیت شرکتی مطلوب از منظر دولت به رویکردی اطلاق می‌شود که *حقوق دولت* نیز به عنوان یکی از گروههای ذی‌نفع رعایت گردیده و سهم وی از سود شرکت به صورت دقیق و روشن مشخص شود. لازمه این امر آن است که سهامداران نهادی نظارت کافی بر عملکرد شرکت داشته و فعالیت گرا باشند و هیات مدیره شرکت‌ها نیز توجه به حقوق تمامی ذی‌نفعان را در اولویت و دستورکار خود قرار دهند. در این میان، مالیات به عنوان بارزترین حقوق دولت از اهمیت بسزایی برخوردار است و چنانچه موارد فوق رعایت نگردد، باعث به وجود آمدن اختلاف سود ابرازی شرکت‌ها با سود تعیین شده مشمول مالیات از طرف مقامات مالیاتی خواهد شد. به این ترتیب، در این تحقیق، پژوهشگران در پی آن هستند تا رابطه بین برخی عوامل حاکمیت شرکتی به شرح فوق را با درآمد مشمول مالیات بررسی نموده و از وجود یا عدم رابطه معنادار بین این عوامل و درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در قالب اظهار صحیح سود مشمول مالیات، اطمینان حاصل نمایند.

اهداف پژوهش

پژوهش حاضر سعی دارد تا با جمع آوری اطلاعات و شواهد لازم و آزمون فرضیه‌های پژوهش و تحلیل یافته‌های آن شواهد قابل قبولی برای تاثیر برخی عوامل کلیدی حاکمیت شرکتی در شفافیت سود مشمول مالیات ابرازی فراهم نماید. به بیان دیگر، در این تحقیق کوشش می‌شود از وجود یا عدم

Archive of SID

www.SID.ir

رابطه بین عوامل فوق الذکر، نظیر: سهامداران نهادی ،تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره و یکی نبودن نقش‌های مدیرعامل و رئیس (یا نایب رئیس)هیات مدیره با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌ها اطمینان حاصل نماید. به همین دلیل، شواهد و مدارک مستند ارزیابی خواهد شد تا با استفاده از نتایج آن، شواهد قابل اتکایی برای اتخاذ تصمیم‌های بهینه توسط مراجع ذی‌صلاح به دست آید.

به بیان دیگر، این تحقیق سعی دارد از طریق یافته‌هایی که ارائه می‌دهد، زمینه‌ای فراهم نماید تا به سازمان امور مالیاتی و حسابداران رسمی در امر تشخیص دقیق و صحیح مالیات اشخاص کمک شود و در صورت نیاز سازمان بورس اوراق بهادار و وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز از این یافته در امر تدوین آیین نامه راهبری(حاکمیت) شرکتی استفاده کنند.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به موارد مشروحه در قسمت‌های قبل و در جهت نیل به اهداف پژوهش، فرضیه‌های این پژوهش براساس سؤوالات اصلی تحقیق به شرح زیر صورت بندی می‌شوند:

فرضیه اول: در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی مطلوب و شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، بین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین جدا بودن سمت مدیرعامل و رئیس(یانایب رئیس) هیات مدیره و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود دارد.

در فرضیه اول که رابطه بین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شده در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی مطلوب و شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف بررسی می‌گردد، به نوعی همهٔ متغیرهای مستقل پژوهش به صورت تجمعی آزمون خواهند شد.

عبداله در سال ۲۰۰۴ تحقیقی را در زمینه حاکمیت شرکتی در میان شرکتهای مالزیایی انجام داد. طبق این تحقیق شرکت‌هایی که یکی از سه شرط زیر را دارا باشند، حاکمیت شرکتی در آنها قوی تر در نظر گرفته می‌شود:

اکثر اعضای هیات مدیره غیرموظف بوده و مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره نباشد.

اکثر اعضای هیات مدیره غیر موظف بوده و مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره باشد.

اکثر اعضای هیات مدیره موظف بوده و مدیرعامل رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره نباشد.

در مقابل، شرکت‌هایی که اکثر اعضای هیات مدیره آنها را مدیران موظف تشکیل داده و مدیرعامل نیز رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره باشد، حاکمیت شرکتی در آنها ضعیف تر است. در حالتی که مدیر عامل مسؤولیت رئیس(یا نایب رئیس) هیات مدیره را

Archive of SID

www.SID.ir

نیز بر عهده دارد، اصطلاحاً گفته می‌شود که مدیر عامل دارای نقش ترکیبی است [۹].

در این تحقیق نیز مطابق تحقیق مذکور، اگر شرکتی یکی از شرایط بالا را داشته باشد، حاکمیت شرکتی در آن شرکت قوی تلقی گردیده، در غیر این صورت، از حاکمیت شرکتی ضعیف تری برخوردار است.

روش اجرای پژوهش و جمع آوری اطلاعات

این تحقیق از نوع توصیفی – مشاهده‌ای با هدف کاربردی و روش شناسی آن از نوع پس رویدادی(استفاده از اطلاعات گذشته) است. تحقیق حاضر به طور کلی بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسناد کاوی صورت پذیرفته است؛ بدین ترتیب که در بخش ادبیات تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده گردیده و در بخش جمع آوری اطلاعات مربوط به درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل و درصد سهامداران نهادی از اطلاعات منتشره توسط سازمان بورس اوراق بهادار استفاده شده است. اطلاعات مربوط به سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌ها از طریق روش مشاهده و بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده‌های مالیاتی شرکت‌ها در دسترس قرار گرفته است. برای اطلاعات مالیاتی مورد نیاز تحقیق، فرمی تنظیم گردید تا از طریق سازمان امور مالیاتی کشور تکمیل و به محقق تحویل داده شود. فرم مزبور به شکلی تنظیم گردید که ضمن تامین نیازهای اطلاعاتی لازم جهت انجام تحقیق، از منظر رعایت جنبه‌های محرمانه (با عنایت به مفاد ماده ۲۳۲ ق.م.م) مورد تایید سازمان امور مالیاتی کشور نیز قرار گیرد.

جامعه آماری

۱. **قلمرو جغرافیایی:** شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند.

۲. **قلمرو زمانی:** محدوده زمانی جامعه آماری پژوهش، سال‌های ۱۳۸۱ لغایت ۱۳۸۵ است.

ویژگی‌های جامعه آماری مورد بررسی

در این پژوهش، با توجه به ماهیت تحقیق و نیز وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرایط زیر (صفت مشخصه) به منظور تعیین جامعه آماری تحقیق در نظر گرفته شده است:

۱- شرکت تا قبل از شروع سال ۱۳۸۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۱۳۸۵ نیز از بورس خارج نشده باشد.

۲- سود قطعی شرکت در سال‌های ۱۳۸۱ لغایت ۱۳۸۵ مشخص باشد.

۳- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.

۴- طی سال‌های مالی مذکور تغییر سال مالی نداده باشند.

۵- اطلاعات مدیریتی و مالی مورد نیاز آنها (بخصوص یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی) در دسترس باشد.

۶- برخی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس شامل بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) که افشاهای مالی و ساختارهای حاکمیت شرکتی در آنها متفاوتند، جزو جامعه آماری قرار نمی‌گیرند.

Archive of SID

www.SID.ir

با توجه به شرایط فوق، تعداد ۸۲ شرکت در دوره زمانی سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. به علت محدود بودن تعداد اعضای جامعه، صد در صد جامعه به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته در این تحقیق سود مشمول مالیات است و متغیرهای مستقل به شرح زیر هستند:

عضو غیرموظف: به عضو هیات مدیره‌ای اطلاق می‌شود که در شرکت مسؤولیت اجرایی رسمی نداشته باشد.

دوگانه بودن مسؤولیت مدیرعامل: به حالتی اطلاق می‌شود که سمت مدیرعامل و رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره شرکت در فرد واحدی جمع باشد.

سهامداران نهادی: به اشخاص حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از سهام عادی شرکت را در اختیار داشته باشند. مؤسسات سرمایه گذاری، نهادهای عمومی غیر دولتی و یا سایر شرکت‌های تجاری از جمله سهامداران نهادی محسوب می‌شوند.

مصوبه مورخ ۲۸ /۱۳۸۶/۰۶ هیأت مدیره سازمان بورس در خصوص تعریف سهامدار نهادی به شرح ذیل است:

"سرمایه گذاران نهادی موضوع بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا عبارتند از:

۱- بانک‌ها و بیمه‌ها؛

۲- هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تامین سرمایه و صندوق‌های سرمایه گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار؛

۳- هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند؛

۴- سازمان و نهادهای دولتی و عمومی؛

۵- شرکت‌های دولتی؛

۶- اعضای هیات مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند" [۶].

در این تحقیق نیز، برای تهیه اطلاعات مربوط به سهامداران نهادی مطابق این مصوبه عمل گردید.

سود مشمول مالیات ابرازی: منظور، درآمد مشمول مالیاتی است که شرکت طی اظهارنامه مالیاتی موضوع ماده ۱۱۰ ق.م.م ابراز می‌کند.

سود مشمول مالیات قطعی: منظور درآمد مشمول مالیاتی است که سازمان امور مالیاتی کشور بعد از رسیدگی به اظهارنامه مالیاتی موضوع ماده ۱۱۰ ق.م.م شرکت‌ها و طی مراحل مختلف فرایند مالیات به عنوان ماخذ قطعی محاسبه مالیات شرکت در نظر می‌گیرد [۱].

روش‌های آماری مورد استفاده

در تحقیق حاضر به منظور، آزمون فرضیه‌های اول و دوم تحقیق از آزمون مقایسه دو میانگین (T-Test) استفاده شده است. به دلیل کیفی بودن داده‌های مربوط به این فرضیه‌ها و دو حالتی بودن آنها در قالب صفر و یک، آزمون مقایسه دو میانگین به عنوان بهترین روش برای بررسی فرضیه‌های فوق تلقی می‌شود. متغیرهای صفر و یک بدین صورت تعریف شدند که به شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی مطلوبی هستند، عدد یک و شرکت‌هایی که از

Archive of SID

www.SID.ir

حاکمیت شرکتی ضعیفی برخوردارند، عدد صفر اختصاص یافت تا شرکت‌های مورد آزمون در دو گروه مجزا تفکیک شوند. در خصوص نقش ترکیبی مدیرعامل نیز به همین ترتیب عمل شد؛ بدین نحو که چنانچه در شرکتی مدیرعامل در سمت رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره نیز فعالیت نماید؛ عدد صفر و در غیر این صورت، عدد یک به آن شرکت اختصاص می‌یابد. بیان آماری این قسمت از آزمون‌ها به صورت زیر است:

$$H_0 : \mu_0 = \mu_1$$

$$H_1 : \mu_0 \neq \mu_1$$

که در آن μ_0 ، درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف و شرکت‌هایی است که در آن‌ها مدیر عامل در سمت رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره فعالیت می‌کند. μ_1 نیز درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی مطلوب و شرکت‌هایی است که در آن‌ها مدیر عامل در سمت رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره فعالیت نمی‌کند.

به منظور آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم نیز از روش رگرسیون خطی یک متغیره و برای معنادار بودن همبستگی بین متغیرهای تحقیق از آزمون P-Value(sig.) از طریق نرم افزار SPSS استفاده شده است.

مدل رگرسیون به منظور آزمون فرضیه سوم و چهارم تحقیق به شرح زیر است:

$$\%\Delta I_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OUTDIR_{i,t} + \varepsilon$$

و

$$\%\Delta I_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 INST_i + \varepsilon$$

که در آن:

$\%\Delta I_{i,t}$: درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی شرکت i در سال t است و به شرح ذیل محاسبه می‌شود:

%ΔI=(سود ابرازی – سود قطعی) / سود ابرازی × ۱۰۰

$OUTDIR_{i,t}$: عبارت است از نسبت (درصد) تعداد مدیران غیرموظف به کل تعداد اعضای هیات مدیره شرکت i در سال t.

$INST_{i,t}$: عبارت است از درصد تجمعی سهام شرکت که توسط نهادهای سرمایه گذاری عمده نگهداری می‌شود به کل سهام منتشره و در دست سهامداران شرکت i در سال t.

علاوه بر این، برای اجرای آزمون‌های تکمیلی و تحلیل بیشتر، از آزمون t برای یک میانگین با مبنا قرار دادن ۱۵٪ به عنوان حداقل میزان اختلاف معنادار درصد تفاوت بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی (مطابق با مواد ۱۵۸ و ۱۹۴ قانون مالیات‌های مستقیم) استفاده گردیده است.

طبق مفاد ماده ۱۵۸ ق.م.م، سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند اظهارنامه‌های مودیان مالیاتی را بدون رسیدگی قبول کند و فقط تعدادی از آنها را به‌صورت نمونه گیری رسیدگی نماید. مودیانی که اظهارنامه آنها در اجرای این ماده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، در صورتی که سود مشمول مالیات قطعی شده با سود مشمول مالیات ابرازی مودی بیش از ۱۵٪ اختلاف داشته باشد، طبق ماده ۱۹۴ همان قانون مشمول جریمه خواهند بود.

مفاد ماده ۱۵۸ ق.م.م تاکنون از طرف سازمان امور مالیاتی کشور صرفاً برای رسیدگی به اظهارنامه‌های مالیاتی تسلیمی توسط اشخاص حقیقی استفاده شده است. با اجرایی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده از اول مهر ماه سال ۱۳۸۷ و مروری بر

Archive of SID

www.SID.ir

برنامه‌های استراتژیک سازمان امور مالیاتی کشور، این امر آشکار می‌گردد که فرایند تشخیص مالیات اشخاص به سمت خود اظهاری مودیان مالیاتی در حرکت است و به نظر می‌رسد در آینده‌ای نه چندان دور، مفاد ماده ۱۵۸ ق.م.م در رسیدگی به اظهارنامه‌های مالیاتی تسلیمی توسط اشخاص حقوقی نیز تسری یابد. به هر روی، در این پژوهش میزان ۱۵٪ موضوع ماده ۱۹۴ ق.م.م به اشخاص حقوقی نیز تسری داده شد تا مبنایی برای قضاوت در مورد وجود یا عدم وجود اختلاف معنادار بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی برای گروه شرکت‌های مختلف در مرحله اجرای آزمون‌های تکمیلی فراهم آید.

با توجه به مطالب فوق، بیان آماری فرضیه‌های مورد آزمون در مرحله اجرای آزمون‌های تکمیلی به صورت زیر در می‌آید:

H_0: $\mu_0 \geq$ ٪۱۵

H_1 : $\mu_0 <$ ٪۱۵

که در آن μ_0، درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شده در گروه شرکت‌های مورد آزمون است.

برای اجرای آزمون تکمیلی آزمون t برای یک میانگین، در مورد فرضیه سوم درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره به ترتیب نزولی مرتب شد؛ بدین معنی که چارک اول به گروه شرکت‌هایی اختصاص یافت که درصد اعضای غیر موظف بالا را شامل می‌شدند و گروه دوم را شرکت‌هایی تشکیل دادند که درصد اعضای غیرموظف در پایین‌ترین (چارک چهارم) بود. در مورد سهامداران نهادی نیز به همین شکل عمل گردید و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در هر یک از گروه شرکت‌ها آزمون گردید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای مستقل کمی (درصد سهامداران نهادی و درصد مدیران غیرموظف) و متغیر وابسته (درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی) به صورت تجمعی برای سال‌های ۱۳۸۱ لغایت ۱۳۸۵ در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: آمار توصیفی داده‌های تجمعی

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
%Δ I	۴۱۰	۶۶/۳۹	۱۶/۹	۰	۱/۷۸	۰	۲۰۴۸
INST	۴۱۰	۷۳/۸۰	۷۸/۵۷	۸۸	۲/۰۳	۶	۹۹/۹۶
OUTDIR	۴۱۰	۶۰/۵۶	۶۰	۶۰	۰/۱۸۶۴۴	۲۰	۱۰۰

میانگین متغیر درصد مدیران غیرموظف هیات مدیره (OUTDIR)، ۶۰/۵۶ است. که بیانگر این نکته است که در شرکت‌های ایرانی اکثر اعضای هیات مدیره غیرموظف هستند. با توجه به این که در اکثر شرکت‌های جامعه، تعداد اعضای هیات مدیره ۵ نفر هستند، انتظار می‌رود که نقش موثر اعضای غیرموظف هیات مدیره در تحقیق نشان داده شود.

Archive of SID

www.SID.ir

انحراف معیار متغیر درصد مدیران غیرموظف هیات مدیره (OUTDIR)، ۰/۱۸۶۴۴ است. حداقل و حداکثر داده‌های مربوط به درصد اعضای غیر اجرایی هیات مدیره در نمونه آماری به ترتیب ۲۰ و ۱۰۰ درصد است. این امر نشان دهنده این نکته است که در هیات مدیره شرکت‌های تحت بررسی حداقل یک عضو غیر موظف حضور دارد.

میانگین درصد سهامداران نهادی (INST) که ۷۳/۸۰ است و بیانگر این نکته است که به طور متوسط اکثر سهام شرکت‌های تحت بررسی در دست سهامداران نهادی است. در شرکت‌های مورد بررسی، ۸۶/۳۸ درصد مدیران عامل دارای نقش ترکیبی بوده، در سمت رئیس (یا نایب رئیس) هیات مدیره نیز فعالیت می‌کردند.

آزمون فرضیه‌ها و نتایج آن

با توجه به اینکه برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های پارامتریک و تحلیل رگرسیون استفاده گردیده است، لذا قبل از انجام این آزمون‌ها، آزمون‌های پیش فرض استفاده از مدل رگرسیون و سایر آزمون‌های پارامتریک انجام گردید؛ به این ترتیب که برای بررسی نرمال بودن اجزای باقی مانده، از آزمون کولموگوروف- اسمیرنوف[1] استفاده گردید. در صورتی که اجزای باقی مانده از توزیع نرمال برخوردار باشند، می‌توان ادعا کرد که جامعه نیز دارای توزیع نرمال است. (Significant) سطح معناداری جدول کولموگوروف- اسمیرنوف ۰/۹۱۲ به‌دست آمد که بیشتر از ۵٪ است بنابراین، با ۹۵٪ اطمینان، نرمال بودن جامعه آماری تحقیق تایید می‌گردد. به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر نیز از آزمون دوربین - واتسون[2] استفاده گردید که نتایج این آزمون نیز در جداول مربوط به تحلیل‌های آماری فرضیه‌ها آمده است. با توجه به اینکه آماره این آزمون در همهٔ موارد در دامنه ۰ و ۴+ قرار گرفت، عدم همبستگی بین خطاها نیز تایید می‌گردد.

آزمون فرضیه اول

همانگونه که قبلا نیز اشاره شد، برای آزمون فرضیه اول، شرکت‌ها را به دو گروه مجزا تفکیک می‌کنیم: گروه اول را شرکت‌هایی تشکیل می‌دهند که حاکمیت شرکتی در آنها ضعیف است و گروه دوم نیز شامل شرکت‌هایی است که حاکمیت شرکتی در آنها مطلوب است. سپس می‌خواهیم بدانیم که آیا بین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌هایی که از حاکمیت شرکتی ضعیفی برخوردارند، با درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌هایی که از حاکمیت شرکتی مطلوبی برخوردارند، تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر؟ برای این منظور، از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه (T-Test) در نرم افزار SPSS استفاده کردیم و خلاصه نتایج آن به شرح جدول شماره ۲ ارائه می‌شود.

1. Kolmogorov-Smirnov

2. Durbin-Watson d Test

Archive of SID

www.SID.ir

جدول شماره ۲: نتایج آزمونt مقایسه میانگین دو جامعه فرضیه اول

فرضیه	آماره t	df	سطح معناداری	Mean difference	Std. Error Difference	نتیجه آزمون
فرضیه اول:" در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی مطلوب و شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، بین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی تفاوت معناداری وجود دارد".	-۰/۱۶	۴۰۸	۰/۸۷۳	-۶/۲۴	۳۹/۰۹	رد فرضیه

همان‌طور که طبق جدول شماره ۲ ملاحظه می گردد، برای داده‌های تجمعی طی سال‌های ۸۱ تا ۸۵ در فرضیه اول، مقدار آماره t، ۰/۱۶- است که در مقایسه با t جدول (۱/۹۶-) بیشتر است و سطح معناداری آزمون تساوی میانگین بیشتر از ۵ درصد است. پس در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرض عدم تساوی میانگین‌ها رد می‌شود. به عبارت دیگر، بین حاکمیت شرکتی با درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد.

آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم، شرکت‌ها را به دو گروه مجزا تفکیک می‌کنیم: گروه اول را شرکت‌هایی تشکیل می‌دهند که مدیرعامل آنها، سمت رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره همان شرکت‌ها را نیز در اختیار داشته است (نقش ترکیبی مدیرعامل). در مقابل، گروه دوم نیز شامل شرکت‌هایی است که مدیرعامل آنها، صرفا با سمت مدیر عامل در شرکت فعالیت می‌کرده است (نقش غیر ترکیبی مدیرعامل). سپس برای حصول اطمینان از وجود یا عدم تفاوت معنادار بین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌هایی که از نقش ترکیبی مدیرعامل برخوردارند، با درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌هایی که از نقش غیرترکیبی مدیرعامل برخوردارند، از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه (T-Test) استفاده کردیم وخلاصه نتایج آن به شرح جدول شماره ۳ ارائه می‌شود.

جدول شماره ۳: نتایج آزمونt مقایسه میانگین دو جامعه فرضیه دوم

فرضیه	آماره t	df	سطح معناداری	Mean difference	Std. Error Difference	نتیجه آزمون
فرضیه دوم:" بین جدا بودن مدیرعامل از رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره با درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود دارد".	۱/۳۷۳	۵۷	۰/۱۷۵	۶۶/۰۸۶	۴۸/۱۳۱	رد فرضیه

همان‌طور که طبق جدول شماره ۳ ملاحظه می گردد، برای داده‌های تجمعی طی سال‌های ۸۱ تا ۸۵ در فرضیه دوم، مقدار آماره t، ۱/۳۷۳ است که در مقایسه با t جدول (۱/۹۶) کمتر است و سطح

Archive of SID

www.SID.ir

معناداری آزمون بیشتر از ۵ درصد است. پس در سطح اطمینان ۹۵ درصد، این فرضیه نیز رد می‌شود. به این ترتیب، بین جدا بودن مدیرعامل از رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره با درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد.

آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم، می‌خواهیم بدانیم که آیا بین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌ها با درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره آن شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ به منظور حصول اطمینان از وجود یا عدم رابطه خطی بین دو متغیر درصد اعضای غیر موظف در ترکیب هیات مدیره و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی، از تحلیل رگرسیون استفاده گردید. شیوه کار در رگرسیون به این صورت است که ابتدا باید معناداری کل مدل رگرسیون آزمون گردد که این کار توسط جدول ANOVA و آماره فیشر (F) صورت می‌گیرد و سپس برای معناداری ضریب متغیر مستقل از جدول ضرایب در نرم افزار SPSS استفاده می‌شود. فرضیه‌های آماری مربوط به معناداری کل مدل رگرسیون به صورت زیر بیان می‌شود:

H_0 : رابطه خطی بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی وجود ندارد.

H_1 : رابطه خطی بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی وجود دارد.

نتایج تحلیل‌های آماری فرضیه سوم را می‌توان به شرح جدول شماره ۴ خلاصه نمود:

جدول شماره ٤ : نتایج تحلیل رگرسیون فرضیه سوم

فرضیه	تعداد	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	سطح معناداری	ضریب همبستگی	نتیجه
فرضیه سوم:" بین درصد مدیران غیر موظف در ترکیب هیات مدیره با درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود دارد".	۴۱۰	۰/۰۰	-۰/۰۰۲	۱/۵۲۵	۰/۱۵۸	۰/۶۹۲	۰/۰۲	رد فرضیه

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، برای داده‌های تجمعی سال ۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۵ در فرضیه سوم، مقدار آماره F، ۰/۱۵۸ است که در مقایسه با F جدول (۳/۸۴) بسیارکمتر است و سطح معناداری آزمون نیز ۰/۶۹۲ است که بیشتر از ۵ درصد است. این نتایج، بیانگر این است که مدل رگرسیون معنادار نیست بنابراین، فرض خطی بودن رابطه دو متغیر تایید نشده و فرضیه سوم رد می‌شود. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که بین درصد مدیران غیرموظف هیات مدیره و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد.

Archive of SID

www.SID.ir

آزمون فرضیه چهارم

در فرضیه چهارم می‌خواهیم بدانیم که آیا بین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌ها با درصد مالکیت سهامداران نهادی آن شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ به منظور حصول اطمینان از وجود یا عدم رابطه خطی بین این دو متغیر از تحلیل رگرسیون استفاده گردید. فرضیه‌های آماری مربوط به معناداری کل مدل رگرسیون به صورت زیر بیان می‌شود:

H_0 : رابطه خطی بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی وجود ندارد.

H_1 : رابطه خطی بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی وجود دارد.

نتایج تحلیل‌های آماری فرضیه چهارم را می‌توان به شرح جدول شماره ۵ خلاصه نمود:

جدول شماره ۵ : نتایج تحلیل رگرسیون فرضیه چهارم

فرضیه	تعداد	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	سطح معناداری	ضریب همبستگی	نتیجه
فرضیه سوم:" بین درصد مالکیت سهامداران نهادی با درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود دارد".	۴۱۰	۰/۰۰	-۰/۰۰۲	۱/۵۲۹	۰/۱۱۳	۰/۷۳۷	۰/۰۱۷	رد فرضیه

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، برای داده‌های تجمعی سال ۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۵ در فرضیه سوم، مقدار آماره F، ۰/۱۱۳ است که در مقایسه با F جدول(۳/۸۴) بسیار کمتر است و سطح معناداری آزمون نیز ۰/۷۳۷است که بیشتر از ۵ درصد است. این نتایج، بیانگر این است که فرض خطی بودن رابطه دو متغیر تایید نشده و فرضیه چهارم رد می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد.

آزمون‌های تکمیلی

همان‌گونه که نتایج حاصل از اجرای آزمون‌های اصلی فرضیه‌های تحقیق نشان داد، همهٔ فرضیه‌های تحقیق رد شدند و نتیجه گرفتیم که بین معیارهای حاکمیت شرکتی، که در این تحقیق به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند و درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد.

برای اجرای آزمون‌های تکمیلی و تحلیل بیشتر، با استفاده از آزمون t برای یک میانگین و مبنا قرار دادن ۱۵٪ به عنوان حداقل اختلاف معنادار، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی را

Archive of SID

www.SID.ir

در گروه شرکت‌های مختلف آزمون نمودیم. گروه شرکت‌های مختلف نیز بر اساس معیارهای حاکمیت شرکتی تعریف و تفکیک شدند؛ به این ترتیب که، برای اجرای آزمون‌های تکمیلی فرضیه اول، شرکت‌ها به دو گروه مجزا تقسیم شدند. گروه اول را شرکت‌هایی تشکیل دادند که از سیستم حاکمیت شرکتی ضعیفی برخوردارند و گروه دوم نیز شامل شرکت‌هایی می‌شد که سیستم حاکمیت شرکتی در آنها مطلوب بود. سپس با استفاده از آزمون t برای یک میانگین، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی را در هر یک از گروه شرکت‌ها به صورت مجزا آزمون نمودیم. برای اجرای آزمون تکمیلی فرضیه دوم نیز، گروه شرکت‌ها با فرض نقش ترکیبی یا غیر ترکیبی داشتن مدیرعامل شرکت تفکیک شدند. در فرضیه سوم نیز درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره به ترتیب نزولی مرتب شده، چارک‌های اول و چهارم به عنوان دو گروه شرکت مجزا، برای اجرای آزمون مربوطه انتخاب شدند. در فرضیه چهارم نیز همانند فرضیه سوم عمل گردید.

نتایج حاصل از اجرای آزمون‌های تکمیلی فرضیه‌ها را می‌توان به شرح جدول شماره ۶ خلاصه نمود:

جدول شماره ٦: نتایج آزمون t برای یک میانگین به عنوان آزمون تکمیلی

فرضیه	آماره t	df	سطح معناداری	Mean difference	Std. Error Difference	حد بالا	حد پایین	نتیجه آزمون
" بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی مطلوب اختلاف معناداری وجود دارد".	۵.۵۵۸	۳۸۷	۰.۰۰۰	۵۱.۰۵۶	۹.۱۸۷	۶۹.۱۲۰	۳۲.۹۹۰	تایید
" بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف اختلاف معناداری وجود دارد".	۲.۲۲۳	۲۱	۰.۰۳۷	۵۷.۳۰۰	۲۵.۷۸۰	۱۱۰.۹۱۰	۳.۶۹۰	تایید
" بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی در شرکت‌هایی که مدیر عامل در سمت رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره فعالیت می‌کند، اختلاف معناداری وجود دارد".	۲.۲۷۶	۵۵	۰.۰۲۷	۱۰۸.۴۵۰	۴۷.۶۵۰	۲۰۳.۹۴۰	۱۲.۹۶۰	تایید
" بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی در شرکت‌هایی که مدیر عامل در سمت رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره فعالیت نمی‌کند، اختلاف معناداری وجود دارد".	۶.۲۳۱	۳۵۳	۰.۰۰۰	۴۲.۳۶۴	۶.۷۹۹	۵۵.۷۴۰	۲۸.۹۹۰	تایید

Archive of SID

www.SID.ir

ادامه جدول شماره ٦: نتایج آزمون t برای یک میانگین به عنوان آزمون تکمیلی

فرضیه	آماره t	df	سطح معناداری	Mean difference	Std. Error Difference	حد بالا	حد پایین	نتیجه آزمون
" بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی در شرکت‌های با درصد بالای مدیران غیر موظف اختلاف معناداری وجود دارد".	۲.۵۹۰	۱۰۲	۰.۰۱۱	۳۱.۰۷۰	۱۱.۹۹۶	۵۴.۸۷۰	۷.۲۸۰	تایید
" بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی در شرکت‌های با درصد پایین مدیران غیر موظف اختلاف معناداری وجود دارد".	۴.۶۳۸	۱۰۲	۰.۰۰۰	۵۳.۴۳۰	۱۱.۵۲۰	۷۶.۲۸۰	۳۰.۵۸۰	تایید
" بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی در شرکت‌های با درصد بالای سهامداران نهادی اختلاف معناداری وجود دارد".	۲.۸۷۵	۱۰۲	۰.۰۰۵	۵۰.۰۸۰	۱۷.۴۲۰	۸۴.۶۳۰	۱۵.۵۲۰	تایید
" بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی در شرکت‌های با درصد پایین سهامداران نهادی اختلاف معناداری وجود دارد".	۲.۶۲۸	۱۰۲	۰.۰۱۰	۶۵.۲۰۰	۲۴.۸۰۰	۱۱۴.۴۰۰	۱۵.۹۹۰	تایید

چنانکه در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌گردد، برای داده‌های تجمعی طی سال‌های ۸۱ تا ۸۵، در تمامی فرضیه‌ها سطح معناداری آزمون تساوی میانگین‌ها کمتر از ۵ درصد است. پس میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌های مورد آزمون مساوی ۱۵٪ نیست از طرفی، حد پایین و بالا در همهٔ آزمون‌ها مثبت است. بنابراین میانگین درصد اختلاف مشمول مالیات ابرازی و قطعی در همه گروه شرکت‌ها، از مقدار مورد آزمون (۱۵٪) بیشتر است. به عبارت دیگر، همهٔ فرضیه‌ها تایید می‌شود و نتیجه می‌گیریم که درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در همه گروه شرکت‌های مورد آزمون در فرضیه‌های مختلف همواره مساوی یا بیشتر از ۱۵٪ است.

تحلیل نتایج حاصل از تحقیق

بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات، هدف نهایی پژوهش حاضر بوده است و فرضیه‌های تحقیق نیز بر این اساس صورت بندی شده‌اند. به موجب تجزیه و تحلیل‌های آماری صورت گرفته، تحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف) رابطه نقش ترکیبی مدیرعامل با سود مشمول مالیات: طبق نتایج آزمون، بین جدا بودن مدیرعامل از رئیس (یا نایب رئیس) هیات مدیره و

Archive of SID

www.SID.ir

درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه مربوطه رد شده است. از طرفی، درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در هر دو گروه شرکت‌های مورد آزمون (گروه شرکت‌هایی که مدیرعامل در نقش رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره نیز فعالیت می‌کند و گروه شرکت‌هایی که مدیرعامل در نقش رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره فعالیت نمی‌کند) بیش از ۱۵٪ بوده است که این مطلب بیانگر این است که نقش ترکیبی داشتن یا نداشتن مدیر عامل تاثیری بر روی سود مشمول مالیات نداشته همواره درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های مورد آزمون معنادار بوده است. این موضوع، بیانگر این است که با تفکیک وظایف مدیر عامل و رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره، شاید منافع رئیس هیات مدیره از منافع مدیرعامل تفکیک شود، اما الزاما با هم متضاد نبوده و هم‌جهت است و آشنایی نبودن رئیس هیات مدیره با وظایف اصلی این سمت نیز می‌تواند یکی دیگر از دلایل این امر باشد.

ب) رابطه بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره با سود مشمول مالیات: طبق نتایج آزمون، بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه مربوطه رد شده است. از طرفی، درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در هر دو گروه شرکت‌های مورد آزمون (گروه شرکت‌هایی که دارای درصد بالای مدیران غیرموظف هستند و گروه شرکت‌هایی که دارای درصد پایین مدیران غیرموظف هستند) بیش از ۱۵٪ بوده است که این مطلب، بیانگر این است که درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره تاثیری بر روی سود مشمول مالیات نداشته و همواره درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های مورد آزمون معنادار بوده است. شاید بتوان عدم تخصص و دانش کافی مدیران غیرموظف را یکی از دلایل این امر دانست که باعث عدم اعمال نظارت کافی و اشراف آنان بر روی فعالیت‌های شرکت می‌شود. عدم اعتقاد به شایسته سالاری در انتخاب مدیران نیز می‌تواند عامل مهم دیگری باشد که در نهایت به کاهش شفافیت اطلاعات و تنزل سطح مسؤولیت پاسخگویی در شرکت منجر شده، حقوق ذی‌نفعان نادیده گرفته می‌شود. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف در ترکیب هیات مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنان به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت کمک شایانی می‌کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نقش مدیران غیر موظف در ایران، مطابق با دیدگاه تئوری نمایندگی نیست. به نظر می‌رسد در شرکت‌های ایرانی به مدیران غیر موظف به عنوان ابزاری برای تکمیل و به حد نصاب رسیدن تعداد اعضای هیات مدیره نگریسته می‌شود و توجه چندانی به نقش نظارتی آنها نمی‌شود.

ج) رابطه بین درصد سهامداران نهادی با سود مشمول مالیات: یافته‌های تحقیق نشان داد که بین درصد سهامداران نهادی و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد. از طرفی، درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در هر دو گروه شرکت‌های مورد آزمون (گروه شرکت‌هایی که دارای درصد بالای سهامداران نهادی هستند و گروه شرکت‌هایی که دارای درصد پایین سهامداران نهادی هستند) بیش از ۱۵٪ بوده است که این مطلب بیانگر این است که

Archive of SID

www.SID.ir

درصد سهامداران نهادی تاثیری بر نزدیکی سود مشمول مالیات ابرازی با سود مشمول مالیات قطعی نداشته و همواره درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های مورد آزمون معنادار بوده است. شاید بتوان دلیل این امر را ماهیت شبه دولتی داشتن سهامداران نهادی در ایران دانست. چنین ماهیتی، سهامداران نهادی را از فعالیت گرایی باز داشته، باعث می‌گردد که آنان نتوانند نقش نظارتی خود را به درستی ایفا نمایند.

د) رابطه بین حاکمیت شرکتی با سود مشمول مالیات: بر اساس یافته تحقیق، بین حاکمیت شرکتی و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد. از طرفی، درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در هر دو گروه شرکت‌های مورد آزمون (گروه شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی مطلوب هستند و گروه شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی ضعیف هستند) بیش از ۱۵٪ بوده است. این مطلب، بیانگر این است که حاکمیت شرکتی مطلوب یا ضعیف، تاثیری بر روی ابراز صحیح سود مشمول مالیات نداشته و همواره درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های مورد آزمون معنادار بوده است. در محیطی که همگان خود را ملزم به رعایت حقوق دیگران بدانند، مدیران از دانش و تخصص کافی برخوردار بوده، بر اساس اصل شایسته سالاری انتخاب شوند، اصل ۴۴ قانون اساسی به درستی اجرا شده و مردم در اقتصاد کشور سهیم باشند، جریان آزاد اطلاعات وجود داشته باشد، لایحه پولشویی عملی شده و فعالیت‌های زیرزمینی اقتصادی کنترل شوند، قوانین اصلاح شده تا برداشت‌های متفاوت از قانون از بین برود و ... ، می‌توان انتظار داشت که نظریه‌ها و تئوری‌های مطرح شده در کشورهای توسعه یافته می‌توانند در کشور ما نیز عملی شده و گره گشا باشند.

محدودیت‌های پژوهش

این تحقیق هم به لحاظ نوع و ماهیت آن که متکی به اطلاعات واقعی بوده و بخشی از داده‌های آن بر اساس روش مشاهده (اسناد کاوی) گردآوری شده است و هم به لحاظ نو و جدید بودن موضوع پژوهش، خالی از مسایل و مشکلات نبود تا آنجایی که در موارد عدیده‌ای به دلیل عدم اعتقاد برخی از مسؤولان امر و متولیان به کارهای پژوهشی و طرح مواردی نظیر مفاد ماده ۲۳۲ ق.م.م در خصوص محرمانه تلقی نمودن اطلاعات موجود در پرونده‌های مالیاتی مودیان، مشکلات ناچیزی به‌وجود آمده بود که این مشکل از طریق کد گذاری و عدم افشای نام شرکت‌ها و همچنین اخذ مجوزهای قانونی لازم از مسؤولان سازمان امور مالیاتی کشور و همکاری دلسوزانه کارکنان محترم این سازمان در تکمیل اطلاعات مورد نیاز تحقیق تا حد قابل قبولی مرتفع گردید.

محدودیت دیگر مربوط به گردآوری داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل پژوهش، از جمله اطلاعات مربوط به موظف یا غیرموظف بودن مدیران بود که صورت جلسات مجمع عمومی تعدادی از شرکت‌ها در این خصوص در دسترس نبود و در گزارش هیات مدیره و یادداشت‌های توضیحی پیوست صورت‌های مالی افشای کافی در این خصوص صورت نگرفته بود و به دلیل اینکه یکی از شرایط انتخاب نمونه این تحقیق در دسترس بودن

Archive of SID

www.SID.ir

داده‌ها بود، چنین شرکت‌هایی از نمونه حذف گردیدند.

نتیجه گیری

در این پژوهش، رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی، از جمله درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل (دوگانگی وظایف مدیرعامل) و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی ارزیابی گردید.

همهٔ فرضیه‌ها در آزمون مقایسه میانگین دو جامعه و تحلیل رگرسیون رد شده‌اند. این بدین معناست که بر اساس یافته‌ها و شواهد تجربی، در یک نتیجه گیری کلی می‌توان گفت که بین وجود یا عدم معیارهای حاکمیت شرکتی و درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج به‌دست آمده از آزمون‌های تکمیلی نیز موید این مسأله است.

آزمون‌های تکمیلی نشان داد که درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌ها همواره بیشتر از ۱۵٪ بوده و این اختلاف تحت تاثیر معیارهای حاکمیت شرکتی کاهش نیافته است و به نظر می‌رسد عوامل دیگری نیز در این مسأله دخیل هستند. شناسایی این عوامل نیاز به کارهای تحقیقاتی بیشتری دارد که در پژوهش‌های آتی می‌توان به این موضوع پرداخت. شایان ذکر است که در برخی تحقیقات پیشین (مانند باباجانی و مردادمند، ۱۳۸۶)، دلایل اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی توسط مودی مالیاتی و تعیین شده توسط حسابداران رسمی و هر دو آنها با سود قطعی مشمول مالیات تعیین شده توسط سازمان امور مالیاتی کشور، در شرکت‌هایی که در اجرای ماده ۲۷۲ ق.م.م مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، از تخصص حسابداران رسمی جهت تعیین درآمد مشمول مالیات خود استفاده می‌نمایند، بررسی شده است [۲]. نتایج این تحقیق، بیانگر این مطلب است که حاکمیت شرکتی تاثیری در مورد دلایل طرح شده در آن تحقیق ندارد.

با توجه به موارد فوق، چنین می‌توان نتیجه گیری کرد که تفاوت بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی چه در رویکرد محدود حاکمیت شرکتی و چه در رویکرد گسترده حاکمیت شرکتی همواره معنادار است. به نظر می‌رسد یکی از علل اصلی این امر، عدم اطلاعات شفاف از فعالیت‌های اقتصادی اشخاص در جامعه است. اعتقاد نداشتن شرکت‌ها به پرداخت مالیات نیز می‌تواند یکی از عللی باشد که موجب اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی می‌شود.

از آنجا که پژوهش حاضر، اولین تحقیقی است که در فضای اقتصادی به‌وجود آمده در جمهوری اسلامی ایران در خصوص رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها صورت می‌پذیرد، این پژوهش می‌تواند الگوی مناسبی برای پژوهش‌های آتی در نظر گرفته شود. برای مثال، در تحقیقات آتی می‌توان رابطه بین معیارهای مهم حاکمیت شرکتی را با درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌هایی که در اجرای ماده ۲۷۲ ق.م.م از تخصص حسابداران رسمی جهت تعیین درآمد مشمول مالیات خود استفاده می‌کنند بررسی نمود. در تحقیقی جداگانه نیز، با توجه به معیارهای حاکمیت شرکتی، می‌توان دلایل اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی را بررسی نمود.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع و ماخذ

۱- باباجـانی، جعفـر. (۱۳۸۴). " سیسـتم نـوین حسابداری مالیاتی کشور تحولی بنیادی در نظـام اطلاعاتی فرایند مالیات ". **مطالعات حسابداری،** ش ۱۰ و ۱۱.

۲- باباجـانی، جعفـر و مـراد منـد، محمـد جـواد. (۱۳۸۶). **"ارزیابی عملکرد اجـرای مـاده ۲۷۲ قـانون مالیـات‌هـای مسـتقیم (مصـوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷)"**، پایـان نامـه کارشناسـی ارشـد رشته حسابداری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۳- توتاخانه، بهنام. (۱۳۸۷). **" بررسی رابطه بـین ترکیب هیات مدیره به عنوان یکی از معیارهای راهبری شرکتی، با عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"**، پایان نامـه کارشناسـی ارشـد رشـته حسـابداری، تهـران: دانشگاه شهید بهشتی.

۴- حسـاس یگانـه، یحیـی. (۱۳۸۵). "حاکمیـت شرکتی در ایران". **مجله حسابرس،** ش ۳۲.

۵- حسـاس یگانـه، یحیـی و خیرالهـی، مرشـید. (۱۳۸۷). "حاکمیـت شـرکتی و شـفافیت". حسابدار، ش ۲۰۳.

۶- شرکت اطلاع رسانی بورس. (۱۳۸۷). "قوانین و مقررات بازار سرمایه".

۷- مرفـوع، محمـد. (۱۳۸۵). "رابطـه اعضـای غیرموظف هیات مدیره و سرمایه‌گـذاران نهـادی با پیش‌بینی سود شرکت‌ها". پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسـابداری، تهـران: دانشـگاه علامـه طباطبایی.

۸- یزدانیان، نرگس. (۱۳۸۵)."تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود". پایان نامـه کارشناسـی ارشد رشته حسـابداری، تهـران: دانشـگاه علامـه طباطبایی

9- Abdullah S.N. (2004). "Board composition, CEO duality and performance among Malaysian listed companies". Corporate Governance No.4.

10- Chong, G. and Isimoya, E. "Disclosure of Governance Information by Small and Medium-Sized Companies". corporate governance, Vol. 7, No. 5, 2007, PP.635-684.

11- Fama, E. F. and Jensen, M. C. (1983). "Separation of Ownership and control". journal of Law and Economics, 26, 301-325.

12- Fernandese N. (2007). "EC: Board compensation and firm performance:The role of “independent” board members". Journal of multinational financial management.

13- Krivogorsky V. (2006)." Ownership, board structure, and performance in continental Europe". The international journal of accounting No.41

14- Lefort F., Urzua F. (2007). " Board independence, firm performance and ownership concentration: Evidence from Chile". Journal of Business Research.

15- . Mihir A. Desaia, Alexander Dyckb, Luigi Zingalesc,ch. (2007). "Theft and Taxs". Journal of Financial Economics 84 591–623.

16- Sartori, Nicola. (2008). " effects of strategic tax behaviors on corporate governance". September 1, , university of Michigan.

Archive of SID

www.SID.ir